

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۱۷۰-۱۸۶ (مقاله علمی - پژوهشی)

واکاوی تاریخی جنبش سلفی جهادی و تکفیری معاصر

(با تأکید بر افکار و آراء ابوالاعلی مودودی)

• میرهادی حسینی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

hosseini@khu.ac.ir

• حسین مفتخری

استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

moftakhari@khu.ac.ir

• ماجد صدقی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی

m1351s@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

چکیده

این مقاله به پدیده جنبشهای سلفی معاصر همانند القاعده، طالبان و داعش می‌پردازد. پیدایش این جنبش و بازخوردهای آن در جهان منجر به ایجاد سؤالات جدی در حوزه ایدئولوژی یا ایدئولوژیهای این گروهها گردید. آیا رفتار و اندیشه ارتباطی با اسلام، کتاب و سنت دارد. این مقاله در صدد آن است که با ورود به حوزه تاریخ نسبت به اکتشاف عوامل ایجادکننده این پدیده بپردازد. از نگاه نویسندگان، اندیشه‌های سلفی گرچه وامدار دوران صدر اسلام و دیدگاههای اصحاب حدیث است، ولی به طور نظاممند زیر سایه اندیشه‌های ابن تیمیه است. جنبشهای سلفی قرن نوزدهم تلاشی بود برای به‌روزمودن این اندیشه‌ها که فقط توسط محمد بن عبدالوهاب به سرانجام رسید. ولی ابوالاعلی مودودی بود که این اندیشه‌ها را نظاممند و علمی و منطبق با واقعیتهای روز جامعه بازتعریف کرد و نقطه جالب این است که مودودی جزو اندیشمندانی است که با مذهب‌گرایی به شدت مخالف است و می‌توان او را یکی از منادیان تقریب مذاهب اسلامی در دوران معاصر نامید.

کلیدواژه‌ها: مودودی، ابن تیمیه، سلفی، تکفیری.



۱۷۰

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال هفدهم
شماره ۵۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مقدمه

شعارهای جریان سلفی‌گری برای عموم مسلمانان جذاب و جالب است، اما رفتار آن چهره‌ای خشن، ارتجاعی و انعطاف‌ناپذیر از دین اسلام در کنار بهره‌برداری از مواهب تمدن عرضه نموده است. در دهه‌های اخیر سه گروه القاعده و طالبان و داعش در غرب آسیا پدیدار شدند که حامل پیامهای ایدئولوژیک تقریباً یکسانی مبنی بر سلفی‌گری و حکومت مبتنی بر شرع اسلام به جهان بودند.

خاستگاه القاعده پیشاور بود که پایگاه اصلی مجاهدان افغانی علیه شوروی بود و تأکید آنها بر جهاد به عنوان مهمترین حکم اسلام بود. طالبان نیز برقراری حاکمیت دینی در جامعه اسلامی را بر اساس تفکر فقهی و اندیشه‌های حنفی و آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب سامان داده بودند. داعش هم که بازخورد خلأ فروپاشی نظام رستاخیزی عراق و یک دهه تأکید این نظام بر اسلامی‌سازی ظاهری بود.

واژه‌شناسی سَلَفی

سلف در لغت به معنی گذشتن و نیز گذشته آمده است و از این رو به پیشینیان و نسلهای گذشته «سلف» اطلاق می‌شود.^۲ در مفهوم عام سلفی به کسی اطلاق می‌شود که به دین اسلام تمسک جسته و خود را ملزم به پیروی از پیامبر اکرم (ص) و صحابه و تابعین می‌داند. گاهی سلف صالح تنها بر صحابه و تابعین و برخی از پیروان تابعین اطلاق شده است.^۳ در نگاه محمدسعید رمضان بوطی سلف به مسلمانان و عالمان سه سده نخست تاریخ اسلام گفته می‌شود. از منظر سید عبدالعزیز سیلی کسانی که پایبند اصول فقهی امامان چهارگانه اهل سنت هستند سلفی نامیده می‌شوند. ابوهره نیز سلفیه را وهابیان پیرو احمد بن حنبل دانسته است با این توضیح که آراء احمد بن حنبل توسط ابن تیمیه بازسازی و توسعه یافت و در قرن دوازدهم هجری از سوی محمد بن عبدالوهاب در شکل جنبش وهابیت ظهور یافت.^۴ واژه سلفیت یا سلفی‌گری اصطلاحی است که متعلق به گذشته است و مشروعیت خود را در تعبیر

۱. فلسفه انتقادی تاریخ، صص ۲۷۲-۲۷۱ و صص ۲۸۴-۲۷۶.

۲. فرهنگ نمونه (القاموس الحدیث)، ص ۴۴۷؛ المعجم الوسیط،

ص ۹۴۹، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۸.

۳. السلف و السلفیون، ص ۱۴.

۴. سلفی‌گری در بونه نقد، صص ۱۶-۱۴.





تاریخی سلف صالح پی‌جویی می‌کند. گویا ابن تیمیه اولین کسی است که در کتاب *الفتوی الحمویة الکبری* این اصطلاح را وارد ادبیات جهان اسلام نمود.^۵ در این مقاله مقصود از سلفیه معنی خاص آن یعنی اندیشه و جریان اجتماعی و مذهبی میان اهل سنت است که متأثر از اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب است و در عصر حاضر با تشکیل گروه‌های جهادی سلفیه جدید خوانده می‌شوند.

خاستگاه اندیشه‌های سلفی بر بستر تاریخ

هدف نویسندگان ریشه‌یابی اندیشه سلفی از صدر اسلام نیست، بلکه به می‌توان به رویارویی اصحاب حدیث و رأی اشاره نمود^۶ ورود اندیشه‌های یونان باستان، روم باستان، چین و هند به سرزمین‌های اسلامی، نگاه اعتزالی در دوران کوتاه رونق گرفت، اما نفوذ گسترده اصحاب حدیث سرانجام متوکل خلیفه عباسی را تسلیم و نقش احمد بن حنبل به عنوان قهرمان محنه^۷ جایگاه ویژه‌ای هم در آن زمان و در سایر دوران یافت. شاگردان و پیروان او توانستند در طول اعصار بعدی نقش فعالی را در حوزه فکری و فقهی در مراکز حساسی در مرکز خلافت عباسی در سده‌های میانی ایفا کنند. فروپاشی حکومتها و خلافت عباسی در بغداد^۸ بر اثر تهاجم مغول منجر به تحولات فکری و اجتماعی جدید در جامعه اسلامی آن روز گردید. در سرزمین شامات و مصر که مسلمانان از قرن پنجم درگیر نبرد با مسیحیان بودند و مورد توجه ویژه مسلمانان و اندیشمندان و فرهیختگان فرهنگی و کشوری و نظامی، ابن تیمیه^۹

خود را متولی اصلاح جامعه می‌دانست و رسالت خود را بر بازتولید اندیشه‌های احمد بن حنبل گذاشت تا جایی که تلاش‌های وی و شاگردش ابن قیم جوزیه توانست مبنای حرکت‌های سلفی در سده‌های بعد و تاریخ معاصر باشد. به طوری که رهبران جریان فکری بازگشت به اصول اولیه اسلام همانند عبده، افغانی (اسدآبادی)، البنا، رضا، مودودی و... تولیدات خود را در بستر اندیشه‌های او ایجاد نمودند.

وضع آشفته اقتصادی و معیشتی مردم، وضعیت بحرانی سیاسی و اجتماعی سرزمین‌های اسلامی، گسترش طریقت صوفیانه آمیخته با خرافات و توهمات، وضع قوانین مغولی منجر به یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام گردید.^{۱۰} ابن تیمیه بر آن شد تا از طریق احیاء اندیشه‌های راستین اسلام بر مبنای تفکر سلف صالح مبتنی بر سنت رسول(ص) و خلفا راشدین، بار دیگر عظمت و قدرت مسلمانان را بازگرداند.^{۱۱} چرا که معتقد بود که متکلمان، محدثان و متصوفه مسئولان اصلی وضع موجود هستند و تنها راه نجات بازگشت به سلف صالح و دوران صدر اسلام با تکیه بر قرآن است.^{۱۲}

ابن تیمیه یکی از شخصیات چند بعدی و شجاع عصر خود بود. در ابراز عقیده در برابر مخالفان ثابت قدم بود.^{۱۳} یکی از پیشروان جهاد علیه صلیبیان بود. جنبش اصلاح طلبانه دینی او کوشید که علوم دینی را از انحصار فقها و متصوفه رها سازد که باز خورد آن ۷ سال زندان بود.^{۱۴} مطالعه و بحث و تصنیف و مبارزه خلاصه زندگی اوست. ازدواج نکرد و از امرا و شاهان هدیه و صلح نپذیرفت و زاهدانه زیست.^{۱۵} در برابر کسی کرنش نکرد و با امرا و صاحب‌منصبان سیاسی استوار

۵. پژوهشی پیرامون وهابیت، صص ۱۱-۱۲.

۶. «اصحاب حدیث»، صص ۱۲۶-۱۱۳؛ «اصحاب رأی»، ص ۱۲۶.

۷. تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، صص ۱۴۰-۱۳۰.

۸. خلافت عباسی در قاهره پس از یک دوره توقف چندساله، تا سقوط ممالیک ادامه یافت و خلافت از قاهره به اسلامبول (استامبول) و خاندان عثمانی منتقل گردید.

۹. تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن شهاب‌الدین عبدالحلیم بن مجدالدین عبدالسلام بن عبدالله بن ابی‌القاسم محمد بن الخضر بن محمد بن الخضر الحرنانی دمشقی الحنبلی، از مشاهیر علمای اسلام در سال ۶۶۱ هجری در شهر حران شام متولد شد و در سال ۷۲۸ هجری در دمشق درگذشت.

۱۰. ابن تیمیه، موسی، صص ۲۲-۱۶؛ سلفیها، ص ۲۳.

۱۱. ابن تیمیه، موسی، ص ۲۷؛ سلفیها، صص ۲۵-۲۴؛ ابن تیمیه، علیجانی، ص ۲۸۲.

۱۲. ماضی استمراری: سلفی‌گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده، صص ۲۹-۲۸.

۱۳. «ابن تیمیه»، زریاب، ص ۱۷۱.

۱۴. سلفیها، ص ۲۴.

۱۵. ابن تیمیه فی صورته الحقیقه، ص ۴۱.



۱) سلفیه وهابی

مشهورترین جنبشی که در جزیره‌العرب در قرن هجدهم میلادی آغاز شد و در واقع می‌توان آن را پیش‌تاز جنبشهای سلفیه جدید نامید، وهابیت است. محمد بن عبدالوهاب^{۲۱} بنیانگذار این جنبش در نجد عربستان بود. آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب اولین پاسخ اصلاح‌طلبی اسلامی به وضعیت آن روز جامعه اسلام به‌شمار می‌رود.^{۲۲} عبدالوهاب بازگشت به راستی‌کیشی و رفتار وسواس‌آمیز بر اساس سالیهای آغازین رسالت پیامبر اکرم(ص) و تأکید بر توحید را تبلیغ می‌نمود.^{۲۳} ویژگیهای اساسی آموزه‌های وهابیت که در اکثریت جنبشهای سلفی تکرار شده است به قرار زیر است:

۱. توحید که بر اساس آن بسیاری از اعتقادات سایر فرق اسلامی را مصداق شرک می‌دانست.
۲. امر به معروف و نهی از منکر که از آن به عنوان قدرت محرکه جنبش خویش بهره برد.
۳. جاهلیت مصداق وضع کنونی جهان اسلام.^{۲۴} گرچه باید اذعان نمود که میان اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب، ابن تیمیه و احمد بن حنبل شباهت زیادی وجود دارد.^{۲۵}

۲) سلفیه سنوسیه

جنبش سنوسی، حرکتی اصلاحی با خاستگاهی صوفیانه بود که در برابر استعمار در افریقا بود. محمد بن علی سنوسی^{۲۶} بنیانگذار این جنبش در واکنش به رکود و عقب‌ماندگی مسلمانان در صدد آن بود که طرح نو دراندازد^{۲۷} و در سفرهایی که داشت در حجاز

و بی‌پروا سخن می‌گفت. خود را مجتهد و در شریعت و فقه حنبلی می‌دانست؛ لذا بارها آراء علما و فقها پراوازه عصر خود را بی‌رحمانه نقد می‌کرد.^{۱۶} ابن تیمیه برای اولین بار در سپهر اندیشه سیاسی نقش ویژه‌ای برای مردم در حکومت در نظر گرفت و آنها را محق دانست که حاکمی از اجرای دستورات اسلامی عدول کند را برکنار کنند.^{۱۷} وی هدف اصلی حکومت اسلامی را امر به معروف و نهی از منکر و ترویج حاکمیت خداوند بر زمین می‌دانست^{۱۸} و برای تحقق این امر انتخاب شورایی حاکم اسلامی را تجویز می‌نمود.^{۱۹}

اولین جنبشهای سلفی معاصر

هجوم استعمارگران اروپایی از اواخر سده هجدهم تا اوایل سده بیستم میلادی به سرزمینهای اسلامی و شکست‌های پی‌درپی دولت‌های بزرگ اسلامی مانند عثمانیان، قاجاریان و گورکانیان از اروپاییان موجب تحولات و پیامدهای گسترده در کشورهای اسلامی شد. احساس عقب‌ماندگی از پیشرفتهای علمی و صنعتی غرب در میان جوامع اسلامی آغازگر اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه در میان نخبگان و اندیشمندان مسلمان شد. اندیشه‌های اصلاحی زمینه‌ساز جریانهای اصلاح‌طلبی از طیفهای گوناگون از سکولاریسم افراطی تا اسلام‌گرایی بنیادگرا از غرب جهان اسلام تا شبه‌قاره هند گردید. در واقع هدف این گروهها تغییر جوامع با کمک اندیشه و عمل دوران صدر اسلام و بازگشت به آن به دوران طلایی بود.^{۲۰} در این مقاله نگارندگان تنها اشاره ای دارند به چند جنبش مهم و تأثیرگذار در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی که در شکل‌گیری اندیشه‌های جریانهای سلفی جهادی و تکفیری دهه‌های اخیر تأثیرگذار بودند.

۲۱. زاده ۱۱۱۵ق/ ۱۷۰۳م.
۲۲. ایران و جهان اسلام، ص ۷۸؛ کالبدشکافی عقاید وهابیت، صص ۱۶-۱۵.
۲۳. اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب: از قرارداد پارساروویتز تا قرارداد غزه-اریحا، ص ۱۲.
۲۴. تعریف و رابطه دو مفهوم، ص ۳۶.
۲۵. جنبشها و نهضت‌های سیاسی معاصر، ص ۲۴.
۲۶. زاده ۱۲۰۲ق در مستغنام الجزایر.
۲۷. تاریخ الحركة السنوسیه فی افریقیه، ص ۲۸.

۱۶. «ابن تیمیه»، زریاب، ص ۱۷۷.
۱۷. سلفیها، ص ۲۹.
۱۸. ابن تیمیه، علیجانی، ص ۲۹۰.
۱۹. سلفیها، ص ۲۹.
۲۰. السلفیه: مرحله زمینه مبارکه لامذهب اسلامی، ص ۱۳.



با افکار و اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب آشنا شد و سپس به مغرب بازگشت و دعوت خویش را آشکار کرد. از او در حدود ۴۰ کتاب به یادگار مانده است.^{۲۸} در باب پیوند میان اندیشه سنوسیه و وهابیت می‌توان گفت که این جریان از انعطاف و روشن‌بینی بیشتری برخوردار بود، زیرا سنوسیان آموزه‌های صوفیانه خود را با اندیشه‌های وهابیت در هم آمیختند.^{۲۹} سنوسیان و رهبران‌شان بعدها در مبارزه با استعمارگران اروپایی نقش مهمی در شمال آفریقا خاصه کشور لیبی ایفا کردند. شایسته یادآوری است که شیوه‌های تعلیمی ابتکاری این مراکز بعدها بهره‌برداری جنبش‌های سلفی جدید همانند طالبان قرار گرفت.

۳) سلفیه مهدویه

یکی از جنبش‌های سلفی است که در اواخر قرن نوزدهم در سودان شکل گرفت و بنیانگذار آن محمد احمد سودانی بود که دعوی مهدویت داشت و بر استعمار بریتانیا قیام کرد.^{۳۰} ظلم و ستم حاکمان محلی و نیز دخالت‌های حاکمان مصری و استعمارگران و نفوذ فرهنگ غربی در سودان زمینه را برای رشد قیام مهدی سودانی فراهم ساخت.^{۳۱} وی پیش از رهبری قیام، شیخ یکی از طریقت‌های صوفیانه بود و از سوی دیگر با مهدی جانشین محمد بن علی سنوسی پیوند داشت و از این رو جنبش وی متأثر از جنبش اصلاحی و ضد استعماری سنوسی بود. پیکارجویی و اندیشه تکفیری وی او را به جنبش وهابیت نزدیک می‌ساخت، اما در عین حال گرایش‌های صوفیانه و نیز ادعای مهدویت و انحصار رهبری در خود، او را از وهابیت متمایز می‌ساخت.^{۳۲}

پیشگامان سلفی جهادی در سده اخیر
در مصر، محمد رشید رضا^{۳۳} برخلاف استادش محمد عبده مسیر اصلاح‌گری اسلامی وی را به سوی سلفی‌گری و وهابی کشاند. محمد رشید رضا به تأثیر از ابن تیمیه و اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب در ترویج تفکر سلفی بسیار کوشید. وی را می‌توان از اصلاح‌طلبان اسلام‌گرای سلفی دانست که بر اسلام‌گرایان قرن اخیر بسیار تأثیر گذاشت. تأثیر آثار محمد رشید رضا را می‌توان بر اندیشه‌های حسن البناء^{۳۴} بنیان‌گذار اخوان المسلمین ملاحظه کرد. اخوانیهای اولیه به تأسی از رهبر و اولین مرشد عام خود دیدگاه‌های اعتدالی داشتند ولی گروهی از نسل‌های بعدی ایشان با الهام‌گرفتن از اندیشه‌های سید قطب گرایش‌های افراطی پیدا کردند. شدت‌گرفتن سرکوب در دوره ریاست جمهوری جمال عبدالناصر در پاسخ به ترورش و زندانی شدن عموم فعالان اسلام‌گرا، بازاندیشی بسیاری از پیروان اخوان المسلمین را در پی داشت.^{۳۵} با کاهش فشار و خروج اخوانیها از زندان در دهه ۶۰، جوانان شروع به سازماندهی خویش بر اساس کتاب *معالم الطریق* سید قطب کردند. حکومت احساس خطر کرد و موج دستگیری‌ها در تابستان ۱۹۶۵م آغاز شد و در نهایت به اعدام سید قطب و برخی از رهبران اخوانی گردید.^{۳۶} سید قطب نظریه پرداز اسلام‌گرایی بود که آثارش تأثیر عمیقی بر جنبش‌های اسلام‌گرا، جهادی و سلفی گذاشت. محوری‌ترین اندیشه وی، فهم و برداشتی انقلابی از آموزه‌های اسلامی بود. وی متأثر از حسن البناء و مودودی بود و بر مفهوم حاکمیت الله تأکید داشت. مودودی با تأکید بر حاکمیت الله در برابر حاکمیت بشر، یک نگره نوین و بی‌سابقه مطرح کرد که بر اساس آن یک دولت اسلامی بدون یک انقلاب پیشین، محکوم به زوال بر ناتوانیها و ویرانه‌های اخلاقی

۳۳. ۱۸۶۵-۱۹۳۵م.

۳۴. ۱۹۰۶-۱۹۴۹م.

۳۵. *الاخوان المسلمون بین عبدالناصر و السادات من المنشیه الی المنصه* ۱۹۵۲-۱۹۸۱، صص ۲۸-۲۷.

۳۶. همان، صص ۲۶-۲۵.

۲۸. همان، ص ۱۲۹.

۲۹. همان، صص ۱۶۹-۱۵۱.

۳۰. محمد احمد المهدی، ص ۲۵.

۳۱. الامام المهدی: محمد احمد بن عبدالله، ص ۴۶.

۳۲. درباره اشتراکات و افتراقات این جنبش با دیگر جنبش‌های عصر خود رک: سلفیها، صص ۴۹-۴۸؛ سعاده المستهدی بسیره الامام المهدی، صص ۲۳۶-۲۲۰.



جامعه است.^{۳۷} سید قطب با بومی‌ساختن اندیشه‌های مودودی در کتاب *معالم فی الطریق* و تحلیل جامعه مصری، بستری را برای این تحول بنیادین وضع نمود. او با ترکیب تاکتیکی میان وضعیت فعلی و وضعیت آرمانی، در پی ارائه راهکاری جدید برای رهایی از مرحله استضعاف و رسیدن به مرحله جهاد بود. با این حال سید قطب، اوج اندیشه انقلابی و جهادی نبود، بلکه اوج آن در اندیشه‌های مبارزه‌جویانه سازمان جهاد اسلامی و

۱) جماعت المسلمین

این گروه در سال ۱۹۷۰ توسط شکر مصطفی بنیان‌گذاری شد؛ فردی که از نابودی جامعه جاهلی مصر و برپایی جامعه اسلامی سخن می‌راند. روش این گروه بر سه اصل استوار بود: تکفیر، هجرت و جنبش.^{۳۸} این سازمان چون نظام سادات را تکفیر می‌کرد و هجرت را یکی از شیوه‌ها و ضرورت‌های مبارزه می‌دانست، «التکفیر و الهجره» نام گرفت^{۳۹} و از سوی رسانه‌های مصری لقب خوارچ قرن بیستم گرفتند.^{۴۰} دیدگاه جماعت درباره سه اصل خود بدین قرار بود که تمام جامعه مصر، جاهل هستند زیرا بر حاکمیت بشر به جای حاکمیت الله گردن نهادند پس باید تکفیر شوند. هم‌چنین اگر جامعه‌ای فرمانروایی جاهلی و کافرانه داشته باشند باید همانند پیامبر(ص) که از مکه به مدینه هجرت نمود از این جامعه دوری و هجرت نمود و در پایان باید گروهی و لو اندک باید این ساختار جاهلی را تغییر دهند.^{۴۱} این گروه بر باطل بودن مکاتب چهارگانه اهل سنت و تکیه صرف بر کلام الله مجید، عدم اطاعت از علما و الازهر، عدم اقامه نماز در مساجد، عدم همکاری با حکومت و باطل بودن ازدواج، تشویق مهاجرت از مصر تأکید داشت.^{۴۲}

به دنبال درگیری اعضای جماعت در سال ۱۹۷۳ م انقلابی به شمار می‌رود.^{۴۳} دیدگاه‌های سید قطب موجب برداشتها و تفاسیر گوناگونی گردید که بر چند موضوع تکیه می‌گردید: نقش پیشتاها، ویژگی‌های اعضا و رهبران آن، ماهیت دوری از جامعه، و روابط میان پیشتاها و مسلمان مؤمنی که در نظام جاهلی به زندگی مشغول است.^{۴۴} نتیجه این تأملات باعث گردید که برای دستیابی به مدینه فاضله اسلامی و جامعه‌ای که به دور از ارزشهای جاهلی است، باید روش مبارزه را تغییر داد و در تکاپوی برپایی دولت اسلامی بود. از رهگذر اختلاف دو نسل جوان و کهنسال که سیاستی محافظه‌کارانه

۳۷. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص ۱۳۱؛ الحركات و الاحزاب الاسلامیة و فهم الآخر، صص ۷-۱۵ و صص ۱۰۰-۸۰؛ پاییز خشم، ص ۲۲۴.

۳۸. احمد لطفی السید، صص ۳۵۱-۳۵۰.

۳۹. جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب: بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، صص ۹۹-۹۸.

۴۰. الحركات الاسلامیة فی مصر و ایران، صص ۸۷-۸۳.

۴۱. «سید قطب»، ص ۳۶۶.

۴۲. الاسلام السياسي و الحدائنه، ص ۶۰.

۴۳. پیامبر و فرعون، ص ۷۷.

۴۴. ذکریاتی مع جماعه المسلمین، ص ۶۱.

۴۵. الاسلام السياسي و الحدائنه، ص ۶۱.

۴۶. پیامبر و فرعون، صص ۱۰۰-۸۷.



با نیروهای پلیس در روستای شیبه^{۴۷} و نیز درگیری پلیس مصر در ۱۹۷۶م با سایر گروههای اسلام‌گرا^{۴۸} عده‌ای از اعضای گروه بازداشت شدند.^{۴۹} واکنش نظام مصر در برابر ربودن و ترور وزیر وقت اوقاف منجر به دستگیری وسیع اعضای گروه و محاکمه سریع آنان و اعدام پنج نفر از سران جماعت از جمله شکری مصطفی سازمان جماعت در عمل فروپاشید.^{۵۰}

۲) جهاد اسلامی مصر

این سازمان بر خلاف جماعت‌السلیمین عقیده داشت که جاهلیت فقط بر طبقه حاکمه منطبق است و شامل توده‌های مردم نمی‌شود.^{۵۱} این گروه مهمترین اصل را جهاد و تنها راهبرد برای رسیدن به دولت اسلامی می‌دانند. فرضیه این گروه این است که مردم عمدتاً طرفدار جهاد هستند و منتظر رهبری مناسب و شایسته برای شروع جهاد می‌باشند.^{۵۲} عبدالرحمان رهبری معنوی این گروه بود^{۵۳} و اما مؤسس و رهبر اجرایی آن محمد عبدالسلام فرج بود که کتاب *الجهاد: واجب مکتوم (الفريضة الغائيه)* را تحریر نمود که به همراه کتابهای سید قطب به سرعت الهام‌بخش جریانهای سلفی جهادی گردید.^{۵۴} کویل عقیده دارد که این گروه در پی ارائه فلسفه انتقادی از تاریخ اسلام است. روشی که جنبش اسلامی را به تعالی و پیروزی می‌رساند و از شکستهای گذشته جنبشهای اسلامی پند گرفته بود؛ ولی برخلاف المعالم دیدی جامعه‌شناختی نداشت و فقط قدرت حاکم را مورد نقد قرار داده بود.^{۵۵}

ابوالاعلی مودودی

مودودی^{۵۶} از مصلحان و متفکران دینی در حوزه شرق سرزمینهای اسلامی (شبه‌قاره هند) می‌باشد که اندیشه‌ها و افکار و آراء او تأثیر زیادی بر شکل‌گیری جنبشهای اسلامی داشته است. به گونه‌ای که می‌توان جنبش سلفی را چه از لحاظ مسلحانه و چه از لحاظ اندیشه‌ای را تحت تأثیر اندیشه‌های او برشمرد. او برای اولین بار مفاهیم هم‌چون حاکمیت الله، جاهلیت، دین حق، تمدن غرب را بازتولید و ابداع نمود.^{۵۷} تأثیری که بر سایر متفکران بعد از او گذاشت، در تاریخ قرن بیستم نظیری برای آن نمی‌توان یافت، به طوری او را ایدئولوگ اعظم جنبشهای سلفی و یا پدر بزرگ آنها می‌نامند. مودودی در اورنگ آباد که الان جزئی از جمهوری هند به دنیا آمد.^{۵۸} گروهی نسب او را به امام علی نقی (ع) دانسته‌اند.^{۵۹} مودودی از سال ۱۹۱۸ نویسنده‌گی در روزنامه‌ها را آغاز نمود و در سال ۱۹۲۱ روزنامه مسلم را منتشر کرد؛ که ارگان مطبوعاتی جمعیت علمای هند به شمار می‌رفت. افکار و آراء او در ماهنامه ترجمان القرآن از سال ۱۹۳۳ که در حیدرآباد نشر می‌شد منتشر گردید. کتاب *الاجهاد فی الاسلام* او در همین ایام منتشر گردید. همکاریها او و اقبال لاهوری، منجر به ریاست او بر مؤسسه تحقیقات اسلامی در سال ۱۹۳۸ گردید و در سال ۱۹۳۹ کرسی اسلامیات را در دانشکده اسلامیة لاهور را به دست آورد. در سال ۱۹۴۱م جماعت اسلامی را تأسیس نمود.^{۶۰} به دلیل دیدگاههای ضد قادیانیها دو بار در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۳ میلادی به زندان افتاد. حمایت او از امام خمینی، مخالفت با جنگ کشمیر و قانون خانواده، منجر به دستگیری مجدد او در سال ۱۹۶۴م گردید. در سال ۱۹۷۲ از رهبری جماعت اسلامی به دلیل بیماری استعفا و در ۲۲ سپتامبر

۵۶. ۱۹۰۳-۱۹۷۹م.

۵۷. «مودودی»، صص ۲۶۹-۱۹۱.

۵۸. ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳م.

۵۹. بررسی دیدگاههای تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی، ص ۷۶.

۶۰. «جماعت اسلامی»، صص ۶۱۹-۶۱۳.

۴۷. ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۳۹.

۴۸. از نظر این گروه هر کسی که تعالیم این گروه را نپذیرد جاهل است.

۴۹. ذکریاتی مع جماعه المسلمین، ص ۶۹.

۵۰. پیامبر و فرعون، صص ۸۷-۸۶.

۵۱. الاسلام السياسي و الحدائنه، ص ۶۱.

۵۲. برآورد استراتژیک مصر، ص ۲۴۳.

۵۳. سیر تحول جنبشهای اسلامی از نهضت سلفی سید جمال تا بیداری

اسلامی، ص ۷۳.

۵۴. «حسن البناء»، ص ۲۷۵؛ جنبشهای اسلامی معاصر در جهان

عرب: بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، ص ۱۷۹.

۵۵. پیامبر و فرعون، صص ۲۳۴-۲۳۳.

۱۹۷۹م در بیمارستانی در امریکا وفات یافت.

۱) افکار و اندیشه‌های مودودی

اما مودودی چه گفت یا چه نوشت که الهام‌بخش بسیاری از متفکران بعدی گردید. منظومه فکری او چگونه باعث بازتولید نهضت عملی و علمی سلفی در جهان معاصر گردید؟ او با نگاهی نو به مسائل دینی و مذهبی و با شکستن مرزهای باورهای جزمی سلفی و ارائه برداشتهای نو و متفاوت، برخی از باورهای سلفیه را به نقد کشیده و از بنیان‌گذاران جریان نو سلفیه به‌شمار می‌آید. وی جاهلیت را از دوره پیش از بعثت به یک فرهنگ بدون محدودیت زمانی تعریف کرد و ویژگیهای آن را مطرح ساخت. مودودی با ارائه الگوی «تئودمکراسی» و مطرح کردن نظریه جواز خروج بر حاکم ظالم^{۶۱} و هم‌چنین با ارائه ساختار جدید از نگره عدالت صحابه، بنیادهای نظری این جریان را تبیین کرد. مودودی که سخت در اندیشه تشکیل حکومت اسلامی بود، تحقق آن را در گرو وقوع یک انقلاب و نهضت اسلامی در سطح افکار و جهان‌بینی مردم در جامعه می‌داند. به نظر او اسلام، نهضتی است که در پی برقراری و سامان زندگی اجتماعی بر مبنای اصول و عقاید دینی است.^{۶۲}

از نظر مودودی دلیل اصلی انحراف و کجی در دین، محدودشدن عبادت و دین در زندگی شخصی مردم و تبدیل‌شدن خلافت به ملوکیت بوده است.^{۶۳} دنیای زمان مودودی دنیای رکود و رخوت بود. تعالیم اسلامی موروثی و متزلزل در برابر هجوم اندیشه‌های تمدن غرب بود. تمامی راه‌حل الگوپردازی از تمدن غرب بدون شناخت آن بود. وی با شناخت این امر شروع به تبیین اندیشه اسلامی خویش نمود. از نظر مودودی مهمترین شرط برتری مسلمانان بر غیرمسلمانان امت

واحد و وحدت مسلمانان است. او بر توانمندسازی آنها تأکید می‌کند و در اولین گام بر فهم دین توسط خود اشخاص به جای تکرار فهم اشخاص حال یا ماضی تأکید می‌کند.^{۶۴} او تأکید می‌کند که باید تمامی اصطلاحات اسلامی به معنای اصلی خود بازگردانده شود و تمامی ایمان‌آوردندگان این امر را در زندگی شخصی و اجتماعی خود به‌کار برند.^{۶۵}

مودودی برای توضیح نظام اسلام، در چهارچوب نگرش دینی تلاش فراوانی کرد. او در گام نخست به توضیح جهان‌بینی اسلام و سپس نظام سیاسی اسلام مبادرت می‌ورزد و بر آن است که نظام سیاسی در اسلام، مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است. مودودی برای اثبات عقاید و آراء خود، به قرآن و سنت استناد می‌کند، اما اغلب به قرآن ارجاع می‌دهد و از این رو سعی دارد به نظرات خود اعتبار و مرجعیت بیشتری ببخشد و مبنای استدلال‌هایش را محکم‌تر کند.^{۶۶} او در عین حال نظامی فکری و سیاسی را بر پایه آن درافکند که صرف‌نظر از گرایشهای گوناگون فرقه‌ای و مذهبی کمتر مورد چون و چرای عالمان و فقهای دین باشد، چراکه او بر وحدت امت اسلامی و دوری‌جستن از اختلافات تأکید دارد. او حتی در جماعت اسلامی بر آزادی مذهب تأکید داشت و مذاهب را فرع بر آموزه‌ها می‌دانست و در واقع می‌توان مودودی را از پیشگامان دارالتقرب اسلامی دانست.^{۶۷}

۲) اصطلاحات چهارگانه

زیربنای اندیشه مودودی بازتعریف اصطلاحات اربعه قرآنی الله، رب، دین و عبادت هستند. از نظر مودودی دعوت قرآن حول آنها می‌چرخد و هر کس یکی از آنها درک نکند، قرآن را درک نخواهد کرد و سراسر کلام الله برای او گنگ و نامفهوم خواهد بود و معانی

۶۱. در بحث جماعت المسلمین و تنظیم جهاد اشاره گردید و در حال حاضر توسط جریانهای سلفی مورد استفاد قرار می‌گیرد. فقه کلاسیک اهل سنت قیام علیه حاکم اسلامی را جز در کافر بودن جایز نمی‌داند.

۶۲. منهاج الانقلاب الاسلامی، ص ۹۸.

۶۳. اسلام در دنیای امروز، صص ۴۲-۲۹.

۶۴. بررسی دیدگاههای تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی، ص ۷۹.

۶۵. منهاج الانقلاب الاسلامی، صص ۱۰۰-۹۰.

۶۶. اندیشه‌های سیاسی در اسلام، ص ۱۸۹.

۶۷. بررسی دیدگاههای تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی،

صص ۸۸-۸۲.





نامناسبی از آن استخراج خواهد کرد و حتی قادر نخواهد بود که توحید را درک کند.^{۶۸} در واقع این بند مورد استناد جنبشهای سلفی جهادی قرار گرفته است. به نظر مودودی تمام امتهای قبلی در اثر بی‌توجهی به معانی این اصطلاحات به گمراهی کشانده شده‌اند. امت اسلام در ابتدا و در عصر نزول قرآن معنای اصلی این اصطلاحات را درک می‌کرد اما بعدها در معنای محدود به‌کار گرفته شد و از جهان‌بینی تنگی به آن نگرسته و این ناشی از دو علت بود:

۱. از میان رفتن ذوق عربی سالم و نارسائی قواعد عربی خالص؛
۲. معنی و مفهوم حقیقی این کلمات آن طور که در اجتماع جاهلیت و زمان نزول قرآن کریم متداول و رایج بود، به‌کلی فراموش گردید؛
۳. الله مترادف با اصنام شد؛
۴. رب هم‌ردیف معانی تربیت و ایجاد و آمادگی جهت قیام به امر تربیت خلق؛
۵. عبادت به معنای محدود خداپرستی و قربانی و نماز؛
۶. دین به معنای مذهب.^{۶۹}

او با بررسی این اصطلاحات چهارگانه الله، رب، دین و عبادت^{۷۰} در قرآن، آنها را با مفاهیم سیاسی چون حاکمیت سیاسی، سلطه، حکومت، فرمانروایی و اقتدار سیاسی پیوند می‌زند و در واقع دکترین پیوند دین و سیاست را در جهان اسلام تبیین می‌نماید.

۳) جاهلیت مسلمانان امروزی و انحطاط آنها

به نظر مودودی مسلمانان در صدر اسلام اصطلاحات چهارگانه را کاملاً درک کرده و در عقاید و عمل به‌کار می‌بستند. اما به خاطر فاصله گرفتن از درک معانی اصلی، به گمراهی رفتند. او با این استناد، مسلمانان و جوامع امروزی را جاهل می‌داند که از اسلام آنها

فقط اسم باقی مانده است.^{۷۱} ابن تیمیه و غزالی گذشته مسلمانان را نقد می‌کردند، اما انتقاد آنان منحصر به عصر خودشان بود، اما نقد مودودی و به تبع او سید قطب بر اساس فلسفه انتقادی تاریخ یک نظریه کاملاً جدید بود. مودودی و سید قطب کل امت اسلام و تمام ادوار تاریخی را به نقد کشانده بودند.

مودودی در تفسیر وضعیت مسلمانان امروز، آنها را برده می‌داند. او در مقاله «عبودیت فکری»^{۷۲} علل این استیلا را فکری و اخلاقی و سیاسی و مادی می‌داند و عبودیت و بندگی را به همین روش به دو نوع تقسیم می‌کند.^{۷۳} به نظر او مسلمانان امروز دچار هر دو نوع بردگی شده‌اند و غرب سلطه سیاسی و فکری خود را بر آنها حاکم کرده است، به حدی که معیار حق و باطل در نظر مسلمانان، غرب شده است.^{۷۴} از نظر او دلیل این امر کنار گذاشته شدن اجتهاد فکری و تحقیق علمی در بین مسلمین است.

در ادامه نگاه به اندیشه‌ها و تفکر مودودی، او با استفاده از قرآن، نقاق و دورویی را عامل انحطاط جوامع اسلامی و به دنبال آن کنار گذاشتن و خاموشی جهاد عملی و علمی می‌داند.^{۷۵} قرآن که منبع علم و عمل مسلمانان بود، فقط وسیله عبادت آنها گردید و جایگاه آن در محراب واقع شد. مسلمانان سنتها را ترک کردند که منجر به توقف سیر ترقی آنها گردید. با توقف مسلمانان، غرب این پرچم جهاد و کوشش را برداشت و با شمشیر و قلم خود در جهان نفوذ کرد. این نفوذ و سیادت تنها بر جسم نبود بلکه در قلوب و افکار نیز نفوذ کرد. هنگامی که مسلمانان بعد از چند قرن از خواب بیدار شدند، دیدند در دست مسلمانان به جز خاطره خوش زمانهای گذشته چیز دیگری باقی نمانده است و آن خاطرات خوش هم کم‌کم از صفحه

۷۱. اصطلاحات چهارگانه در قرآن، صص ۷-۵.

۷۲. اول اخلاق ما بعد تمدن آنها، صص ۸۰-۴۵.

۷۳. گفتارها، صص ۵۷-۱۳.

۷۴. همان، صص ۱۴.

۷۵. اسلام و تمدن غرب، صص ۲۱۹.

۶۸. مصطلحات القرآن الاربعة فی فکر المودودی، صص ۱۵۳-۱۴۹.

۶۹. اصطلاحات چهارگانه در قرآن، صص ۸-۵.

۷۰. همان، صص ۱۰؛ تفهیم القرآن، ج ۱، صص ۳۶-۳۷؛ اندیشه‌های سید

ابوالاعلی مودودی، صص ۱۰۲-۹۸.



۲. تلاش برای شناخت احکام خدا از قرآن و سنت؛
 ۳. دوری از تعصبات مذهبی؛
 ۴. گذشت و اغماض در نقاط مورد اختلاف؛
 ۵. گردآمدن مسلمانان پیرامون حقایق دینی.^{۸۲}

مودودی به عنوان یک متفکر که رسالت خود را در بازگرداندن تفکر مسلمانان امروزی به تفکر سلف صالح و صدر اسلام تعریف کرده است می‌نویسد: «من هرگز نمی‌خواهم زندگی مسلمین عصر حاضر را از حیث صورت و ظاهر همانند زندگی اعراب مدینه قرار دهم تا مسلمانان امروز مثل آنها غذا بخورند و لباس بپوشند... اسلام هرگز این را از ما نخواست که مخالف ترقی باشیم و زندگی خودمان را مانند رسم باستانی قرار دهیم و آن را به جهانیان عرضه بداریم.»^{۸۳} او معتقد است که پیروی صحیح از قرآن و سنت، پیشرفت تمدنی را به دنبال دارد.^{۸۴} مودودی بر خلاف بسیاری در علما که در برابر مظاهر پیشرفت تمدن غربی مقاومت کرده، نه تنها مخالفت نداشت، بلکه روش استفاده صحیح از آنها را به مسلمانان آموخت.^{۸۵}

۵) جهاد

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، ابن تیمیه اولین فردی بود که مسئله جهاد را به صورت منسجم و نظام‌مند شرح داد. از نظر ابن تیمیه جهاد از حج و نماز و روزه برتر است و ویژگی انسان واقعی در جهاد و نه در ریاضت و تقوای فردی بروز می‌کند. مودودی این امر را پی گرفت و آن را روشمند ساخت و وارد ادبیات سیاسی معاصر نمود. در ادامه نتیجه می‌گیرد که جهاد اسلام باید جهانی و جهان‌شمول باشد؛ گرچه مسلمانان در ابتدا در کشور خویش انقلاب می‌کنند و نظام جور را برمی‌افکنند، اما مقصد غایی و نهایی آنها باید انقلاب جهانی باشد، چرا که طبق آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي»
 ۱. جنگ با عقاید و آراء باطل و خرافات؛

۷۶. همان، صص ۴۸-۴۷.

۷۷. گفتارها، صص ۴۹-۴۸؛ برنامه انقلاب اسلامی، ص ۲۲.

۷۸. بقره، ۱۲۵.

۷۹. نساء، ۷۶.

۸۰. اسلام در دنیای امروز، صص ۹۵-۹۴.

۸۱. تاریخ تفکر اسلامی در هند، صص ۲۵-۱۸؛ نهضت بیداری اسلامی، صص ۲۲۵-۲۱۰، جنبشهای اسلامی معاصر، صص ۳۳۰-۳۱۰، نوگرایی دینی: نقد و بررسی جنبشهای اسلامی معاصر، صص ۱۲۰-۱۱۷؛ جنبش اسلامی پاکستان، صص ۱۱۵-۱۱۲؛ بنیادگرایی، صص ۳۵-۲۰؛ بنیادگرایی، جهان اسلام و نظام بین‌الملل، صص ۲۸۵-۲۸۰؛ تروریسم از القاعده تا داعش: مطالبی که لازم است همگان بدانند، صص ۳۸۰-۳۶۱.

۸۲. جنبشهای اسلامی معاصر، صص ۱۳۳-۱۳۰.

۸۳. اسلام و تمدن غرب، صص ۲۴۲ و ۲۹۸-۲۹۷.

۸۴. همان، ص ۲۹۹.

۸۵. زندگینامه: نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، صص ۲۰۵-۲۰۰.



سَبِيلَ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^{۸۶}

یاری رساندن و نجات مظلومان و ظیفه مجاهدان است. مودودی در تفسیر تاریخ و فلسفه انتقادی تاریخ غزوه تبوک را آغاز مرحله جهانی شدن اسلام می‌داند^{۸۷} و نتیجه می‌گیرد که جهاد و حق کلمات وسیعی هستند که در چارچوب مرزها نمی‌گنجند.^{۸۸}

مودودی با تقسیم جهاد به دو بخش دفاعی و هجومی موافق نیست و آن را برنمی‌تابد؛ چرا که عقیده دارد این تقسیم‌بندی رنگ ناسیونالیستی و قبیله‌گرایی دارد.^{۸۹} از نظر مودودی جهاد، جهاد اکبر است. مطلبی که توسط سید قطب بازتولید گردید.^{۹۰} جهاد مورد نظر مودودی جهاد با زبان، قلم، جان، مال، توپ، تفنگ و هر چیزی است که برای انسان عزیز و مهم است.^{۹۱} در واقع مودودی مفهوم جهاد را بسط داده است و آن را سعی و تلاش و جهاد در تمامی شئون و مراحل زندگی با هر وسیله‌ای که دین آن را جایز شمرده است می‌داند.^{۹۲} مودودی در تشجیع مسلمانان به جهاد و سعی و تلاش در این زمینه، علت کنار گذاشتن آن را از ادبیات روز جامعه اسلامی در تبلیغات غربیان و نیز شخصی شدن دین و مناسک آن می‌داند. او میان حرب و جهاد تفاوت قائل می‌شود و در تبیین این دو مفهوم جهاد را هدف اصلی برقراری حاکمیت الله در زمین می‌داند، در حالی که هدف از حرب، کسب منافع مادی و شخصی انسان است.^{۹۳}

مودودی چهار جبهه در مورد جهاد خویش گشود و آن

۸۶. نساء، ۷۵.

۸۷. الجهاد فی سبیل الله، صص ۳۶-۳۴؛ خطبه‌های نماز جمعه، ص ۳۰۸.

۸۸. الجهاد فی سبیل الله، صص ۳۸-۳۷؛ پایه‌های اخلاقی برای جنبش اسلامی، ص ۲۲.

۸۹. الجهاد فی سبیل الله، صص ۴۲-۴۰.

۹۰. المعالم فی الطریق، ص ۷۴.

۹۱. تفهیم القرآن، ج ۳، ص ۶۶۵.

۹۲. آیین شجاعان، ص ۴۰.

۹۳. همان، صص ۱۲-۸.

را نشان داد: جهاد علیه ناسیونالیسم هندی؛ جهاد علی استیلا و سیطره غرب؛ جهاد علیه رهبران کشورهای اسلامی که سیره عملی آنها متضاد با آموزه‌های اسلامی است و جهاد علیه تحجرگرایی و رهابیت که بازخورد آن در کمک‌های او و جماعت اسلامی پاکستان به گروه‌های جهادی در دوران اشغال افغانستان نمود یافت.

۶) انقلاب اسلامی

مودودی عقیده دارد که حکومت اسلامی باید از طریق انقلاب اسلامی محقق شود. از نظر او این انقلاب فرقی با آغاز اسلام ندارد و همان‌طور که در زمان پیامبر(ص) و خلافت راشد و دوران سلف صالح ایجاد گردید، این الگو قابل تعمیم به دوران فعلی است و به غیر از آن راهی وجود ندارد.^{۹۴} از نظر مودودی این انقلاب تنها یک انقلاب سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه علاوه بر اینها یک انقلاب ذهنی، معنوی و روحانی مبتنی بر الگوی تعلیم و تربیت است که مراحل اولیه آن باید به صورت تدریجی و گام به گام محقق شود.^{۹۵} او هدف از انقلاب را تغییر شرایط نابه‌سامان امت می‌داند، ولی شرط آن را اصلاح فکر و اندیشیدن و سنجش شرایط می‌داند. در ادامه انقلاب مد نظر خود را با معنای انقلاب‌های موجود متفاوت می‌داند؛ چرا که عقیده دارد، تمامی انقلاب‌های صورت‌گرفته بر مبنای اندیشه بشری و صیوروت بشر است، لذا همگی با احساسات و انتقام‌گیری آغاز می‌شود و جایگزین ویرانه‌های موجود ویرانی انقلاب بشری است.^{۹۶} در ادامه -بر اساس فلسفه انتقادی تاریخ- پیش‌بینی چنین انقلاباتی این‌گونه بیان می‌کند که این رهبران این نوع انقلابها پس از تخریب وضع موجود ناگزیر هستند که تن به اصلاح دهند و لذا میان رهبران و بنیادگرایان کشمکش سختی روی می‌دهد، در نتیجه به منظور حفظ حاکمیت، از حق و حقیقت چشم‌پوشی می‌شود. نتیجه این کشمکش

۹۴. گفتارها، صص ۱۶۳-۱۶۲.

۹۵. برنامه انقلاب اسلامی، صص ۲۸-۱۸.

۹۶. گفتارها، صص ۱۲۰-۹۷.

معمولاً پیروزی بنیادگرایان است. اما وقتی انقلاب خسته شد، محافظه‌کارانی که در گوشه منتظر بودند به قدرت می‌رسند و همان راه میانه و معتدل که رهبران اولیه سردمدار آن بودند، ادامه می‌یابد. او انقلابهای ۱۹۱۷ روسیه، ۱۷۸۹م فرانسه و ۱۹۰۸ عثمانی را مثال می‌زند.^{۹۷}

۷) حکومت اسلامی مورد نظر مودودی

مودودی تمام قدرتهای تشریعی و قانون‌گذاری به جز الله را مردود شمرده و این حق را منحصر به ذات الله می‌داند. او معتقد است به جز الله هیچ کس حق ورود در دایره قانون‌گذاری را ندارد. بنابراین حق تشریع مختص به خداوند است بدون هیچ‌گونه شریک و همتایی، زیرا حکومت از آن خدا است و غیر از او را نباید پرستش و اطاعت نمود و این آیین محکم و استواری است.^{۹۸}

مودودی کشورها را از آن خداوند می‌داند و معتقد است که خداوند مالک همه چیز است. از نظر وی هیچ شخص، خاندان، گروه، قوم حق حاکمیت ندارند.^{۹۹} از نظر مودودی شکل واقعی حکومت انسانی بر اساس قرآن تنها این است که حکومت باید امتیاز و برتری قانونی خدا و پیامبرش را به رسمیت شناخته شود. هر حکومتی نیابتی از آن حق اولیه است.^{۱۰۰}

در این نوع حکومت دولت و رئیس آن به وسیله آراء مسلمین انتخاب می‌شود، و عزل و نصب آنها در دست خود مردم است و اگر موضوع و موردی از مسائل اجتماعی و سیاسی حکم و دستور صریح و آشکاری از جانب شارع مقدس درباره آن نرسیده باشد، به آراء جمهور مسلمین واگذار می‌شود، هم‌چنین در هر

مورد که نیاز به توضیح و تشریح قانون باشد، طبقه با گروهی خاص نیستند که آن را توضیح و تشریح کنند، بلکه شرح و بیان و تفسیر قانون را هر کس که به مرحله اجتهاد رسیده باشد می‌تواند انجام دهد. هیچ مسلمانی حق ندارد قانون را تغییر دهند.^{۱۰۱} مودودی برای این حکومت چهار منبع قانون‌گذاری در نظر گرفته است: «قرآن، گفتارهای پیامبر(ص)، رفتارهای خلفای راشدین و فتاوی مجتهدین».^{۱۰۲} به عبارت دیگر وی نقش عقل را مهم و اساسی برای پیشبرد امورات جامعه اسلامی می‌داند. بر این اساس این موارد را برای حکومت اسلامی تثویز نموده و پرسشهایی را با محوریت حکومت برانزده، حدود و وظایف آن، ارکان این حکومت، هدف و مشخصات آن را مطرح می‌نماید.^{۱۰۳}

مودودی برای تبیین حکومت اسلامی از واژه خلافت استفاده می‌کند. منظور وی از خلافت آن است که نیروهایی که در زمین برای انسان حاصل موهبت و بخشش خداوند است. از این رو انسان در این وادی مالک و خود مختار نبوده بلکه خلیفه یا جانشین مالک حقیقی است. اما این خلافت را وقتی می‌توان خلافت جایز و درست پنداشت که تابع اوامر مالک حقیقی باشد، اگر از او روگردانی نموده و نظام مختارانه تشکیل شود، جای خلافت، بغاوت را اشغال می‌کند.^{۱۰۴} در حکومت اسلامی موقعیت رهبر (امیر) یا رئیس اجرا چیزی بیش از این نیست که هیأت عمومی مسلمانان قدرت نیابتی را که دارا هستند به صورت یک امانت به او به عنوان بهترین فردی که از میان خود انتخاب کرده‌اند تفویض نموده‌اند و استفاده از کلمه خلیفه که برای مخاطب ساختن او به کار می‌رود به معنی انحصاری بودن «خلیفه»‌گری در او نیست بلکه به معنی تمرکز یافتن خلافت عامه مسلمانان در شخص

۹۷. نهضت و منسوبین آن، صص ۲۷۰-۲۰۳، پایه‌های اخلاقی برای جنبش اسلامی، صص ۵۹-۵۲، برنامه انقلاب اسلامی، صص ۷۷-۷۶؛ اسلام و مشکلات اقتصادی، صص ۱۱۵-۱۱۳؛ اسلام و تمدن غرب، صص ۱۷۷-۱۷۵؛ الجهاد فی سبیل الله، صص ۳۵-۳۳.

۹۸. نظام سیاسی اسلام، ص ۴۳.

۹۹. اندیشه‌های اسلامی در سخنان ابوالاعلی مودودی، ص ۲۹.

۱۰۰. خلافت و ملوکیت، ص ۲۳.

۱۰۱. نظام سیاسی اسلام، صص ۴۹-۴۸.

۱۰۲. قانون اساسی در اسلام، صص ۳۲-۲۷.

۱۰۳. همان، صص ۴۲-۴۱.

۱۰۴. خلافت و ملوکیت، ص ۲۶.



نتیجه‌گیری

نویسنده در مورد بازگشت به گذشته گردید. مودودی با نوشتن کتاب *الجهاد و تأسیس مجله ترجمان القرآن* در سال ۱۹۳۲م، درست سه سال قبل از کنگره پنجم اخوان المسلمین که تغییر رویکرد عملی اخوان المسلمین توسط حسن البنا اعلام گردید، اولین شالوده‌های این نظام جدید را پی‌ریزی نمود. او خواستار پالایش اسلام از بدعتها و گمراهیها بود و در کنار آن به تولید آثار جدید برای تبیین این اندیشه‌ها مشغول بود. در واقع مکتب او نماینده جریان فکری، سیاسی و اسلامی بود که با متجددین مسلمان که راه پیشرفت را در تقلید از آموزه‌های غرب می‌دانست، مخالف بود. او اسلام را دین جامع و فلسفه برتر زندگی و ماورای اخلاق می‌دانست که سرتاپا مکتبی علمی و عقلی است و اطلاعات واقعی از آن بدون علم و عمل و عقل ممکن نیست. او معتقد بود که کشور اسلامی باید بر اساس اصول اخلاقی پی‌ریزی شود، زیرا اسلام قبل از هر چیز به حقوق و ارزشهای انسانی توجه دارد. اگر مملکت اسلامی در گوشه‌ای از روی زمین و منطقه‌ای از مناطق آن به وجود آمده باشد، حقوق بشریت و حقوق مدنیت را نباید بر مرزهای جغرافیایی محدود سازد. البته حکومت که او ارائه می‌دهد تشکیل یک کشور اسلامی متحد است که باید آمال همه مسلمانان و بلکه تمامی جهان شود و بدین شکل راه جهانی شدن خود را ببیماید؛ لذا می‌بینیم داعش نقشه جدیدی از جهان اسلام ارائه می‌دهد که در آن تمامی سرزمینهای اسلامی ذیل نامهای جدید و استانهای جدید متحد و یکپارچه شده‌اند. به نظر او الگوی حکومت اسلامی باید مطابق با بهترین حکومت دوران تاریخ اسلام یعنی دوران خلافت راشدین باشد. اما بعدها با دور شدن مسلمانان از آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی و در نهایت نادیده گرفتن ویژگیهای این نوع حکومت، ملوکیت و پادشاهی تولید گردید. او عامل اصلی انحطاط مسلمانان امروزی را نیز دوری از مفاهیم اسلامی می‌داند و به آنها بازگشت به اسلام و درک این مفاهیم

در سده‌های میانی تاریخ اسلام، هجوم بیگانان به سرزمینهای اسلامی و وضع آشفته و نابه‌سامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان زمینه را برای اندیشه‌های اصلاحی و افراطی پدید آورد. در این میان ابن تیمیه موفق شد اندیشه‌های خویش را بسط دهد. ولی بازسازی نهاد خلافت در مصر و شکست مغولان مانع گسترش اندیشه وی گردید. چهار سده بعد همگام با ضعف حکومت عثمانی و هجوم استعمارگران به سرزمینهای اسلامی، بار دیگر اندیشه‌های ابن تیمیه مطرح و بازخوانی شد. لذا سه گروه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بر اساس این نگره‌ها شکل گرفتند که عبارت بودند از وهابیت، سنوسیت و مهدی‌گرایان. در این میان وهابیت با نوعی نگاه افراطی و ارتدوکسی ضمن برداشت جدید به دست آوردهای عقلی بازگشت به دوران اولیه را برنامه خود قرار دادند در حالی که مهدی‌گرایان موفق شدند حکومت کم‌دوامی را در سایه ایجاد یک برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سودان دنبال کنند. اما در این میان طریقت سنوسی بیشتر به تربیت و کادرسازی پرداخت و از ورود به عرصه سیاست خودداری نمود که خود رمز ماندگاری و اثرگذاری بر جوامع شمال آفریقا است. بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی سوال اصلی اندیشمندان مصلح این بود که آیا لازم است الگوی خلافت اسلامی احیا شود یا الگوی دیگری از نظامهای سیاسی باید جایگزین خلافت اسلامی شود. برای اولین بار رشید رضا به این پرسش پاسخ داد و به دنبال احیای خلافت اسلامی بود. پس از وی مودودی اندیشه حکومت اسلامی را بسط داد و اصول قوای سه‌گانه مونتسیکو را با اندیشه اسلامی تطبیق داد و نظامی جدید برای اداره حکومت اسلامی پیشنهاد کرد. شرح وی از جهان‌بینی و ایدئولوژی این حکومت اسلامی منجر به نظرات



و زنده کردن نظام خلافت را گوشزد می‌کند. البته این بازگشت از طریق یک انقلاب فرهنگی مبتنی بر اسلام راستین ممکن است که در آن خشونت و توسل به زور و مخفی‌کاری و تشکیلات پنهانی جایی ندارد، بلکه یک گروه با ویژگیها و اوصاف خاص شکل گرفته و سازماندهی و تنظیم می‌شوند و با افکار باطل به مبارزه برمی‌خیزند و به تدریج در جهت انقلاب جهانی حرکت می‌کنند. رهبری در اینجا به نظر او نقشی مهمی ایفا می‌کند. او در مبارزه خود علیه غرب، توسل غرب به عقل و تجربه در راه رسیدن به کمال و سعادت را ناقص و بیهوده می‌دانست و تمام اصول و مبانی غرب را مردود اعلام کرده و هیچ‌گاه سعی در انطباق دادن مفاهیم اسلامی با مفاهیم امروزی غرب نداشت و بلکه همیشه آنها را متضاد و در جهت عکس با مفاهیم اسلامی می‌دانست. او به جای سکولاریسم، خداپرستی و به جای ناسیونالیسم، انسانیت و به جای دموکراسی، خلافت عمومی را پیشنهاد می‌کرد. در بحث تأثیرات مودودی مشخص است که آموزه‌های او بر جهان اسلام از دهه ۱۹۳۰م به بعد تأثیرگذار بود. اثرات اندیشه‌های او بود که حسن البنا را به سمت اعلام رسمی در کنگره پنجم اخوان المسلمین کشاند. اثرات او بر نوشته‌های سید قطب، محمد عماره، یوسف قرضاوی، حسن ندوی، محمد اقبال و... مشهود است. دیدگاه وی برای اسلام‌گرایان مصری جذاب بود، آن هم در زمانی که حکومت ناسیونالیست مصر گروه‌های اسلام‌خواه را تحت فشار و تعقیب قرار داده بود. این برخورد افراطی منجر به رشد افراطی‌گری شد. سید قطب اندیشه‌های مودودی را در جامعه مصر در قالب کتاب *المعالم فی الطریق* برای جامعه مسلمان و ناراضی از حکومت بازخوانی کرد. برخورد شدیدتر حکومت ناصر و شکست این حکومت در جنگ سوم اعراب و اسرائیل و نیز مماشات سادات و دادن آزادیهای وسیع به گروه‌های اسلام‌گرای پیرو اندیشه‌های سید قطب و مودودی منجر به ایجاد نخستین گروه‌های سلفی

در جامعه مصر شدند که سرانجام به ترور سادات در سال ۱۹۸۱ انجامید. تروری که عامل انجام آن از آن به عنوان نابودکننده حاکمی که ربوبیت را در حاکمیت تفکیک کرده سخن گفته است. به دنبال این امر و سرکوب جنبشهای سلفی که جهاد را هدف غایی خویش برای تشکیل حکومت اسلامی تعیین کردند، فعالیت این گروه‌ها به محاق رفت. در کنار آن اجازه فعالیت به اخوان المسلمین و سایر جنبشهای اسلامی و نیز جهاد در افغانستان تحت اشغال اتحاد جماهیر شوروی، باعث گردید که بسیاری از طرفداران جهاد و انقلاب اسلامی و حاکمیت الله به سمت افغانستان رفته و از فضای کشورهای عربی دور شوند. در این کشورها با استفاده از آموزه‌های جنبشهای سلفی و تکیه‌ها و نیز مدارس ایجاد شده به تقویت ساختار عقیدتی و فکری خویش اقدام نمایند و هنگامی که نظم حاکم بر منطقه با هجوم امریکا شکسته گردید، این افراد در خلأ ایجاد شده شروع به ساماندهی خویش نمودند. بنابراین آموزه‌های مودودی، سید قطب و الگوی عملی تکاپای سنوسی و انقلاب مهدیه و تشکیل سازمانهای انقلابی در مصر و سایر کشورهای عربی و تجربه جهاد افغانستان منجر به شکل‌گیری سازمانهای سلفی جهادی تکفیری مانند القاعده و طالبان و داعش گردید. جنبشهایی که همانند آموزه‌های مودودی هیچ‌گاه با علم و دانش به مبارزه برخاسته بودند و از ابزارهای تمدن غربی در ذیل تعلیم و تربیت اسلامی بهره می‌برند؛ که نمونه واضح آن مدارس حقانی و تربیت طلبه است.



کتابنامه

- ابن تیمیه فی صورته الحقیقه، صائب عبدالحمید، بیروت، الغدیر، ۱۹۹۵م.
- «ابن تیمیه»، عباس زریاب، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ابن تیمیه، علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ش.
- ابن تیمیه، محمد یوسف موسی، قاهره، مکتبه مصر، ۱۹۶۲م.
- احمد لطفی السید، علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- اسلام در دنیای امروز، ابوالاعلی مودودی، ترجمه احمد فرزانه، تهران، بعثت، ۱۳۹۴ش.
- اسلام و تمدن غرب، ابوالاعلی مودودی، ترجمه ابراهیم امینی، تهران، کانون انتشار، ۱۳۵۶ش.
- اسلام و مشکلات اقتصادی، ابوالاعلی مودودی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۹ش.
- «اصحاب حدیث»، احمد پاکتچی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- «اصحاب رأی»، احمد پاکتچی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- اصطلاحات چهارگانه در قرآن، ابوالاعلی مودودی، ترجمه سعید بهبودی، تهران، دفتر کمیته مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۹ش.
- الاحزاب و الحركات و الجماعات الاسلامیه، جمال باروت و دیگران، دمشق، المركز العربی للدراسات الاستراتیجیه، ۲۰۰۶م.
- الاخوان المسلمون بین عبدالناصر و السادات من المنشیه الی المنصه ۱۹۵۲-۱۹۸۱، زکریا سلیمان بیومی، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۹۸۷م.
- الاسلام السیاسی و الحدائنه، ابراهیم أعراب، مراکش، دارالبیضاء، ۲۰۰۰م.
- الامام المهدي: محمد احمد بن عبدالله، محمد سعید قدال، بیروت، دارالجیل، ۱۹۹۲م.
- اول اخلاق ما بعد تمدن آنها، غلامرضا سعیدی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۳ش.
- «جماعت اسلامی»، حسن سعید کلاهی خیابان و محمدکاظم سلیم، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- الجهاد فی سبیل الله، ابوالاعلی مودودی، بی جا، الاتحاد الاسلامی العالمی للمنظمات الطلابیه، ۱۳۸۹ق.
- الحركات الاسلامیه فی مصر و ایران، رفعت سیداحمد، قاهره، سینا، بی تا.
- «حسن البناء»، سید عبدالامیر نبوی، دایره المعارف جنبشهای اسلامی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲ش.
- السلف و السلفیون، نجم الدین طبسی، قم، ذکری، ۱۴۳۰ق.
- «سید قطب»، سیروس سوزنگر، اندیشه سیاسی اندیشمندان مسلمان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ش.
- المعالم فی الطریق، سید قطب، قاهره، دارالشرق، ۱۹۸۰م.
- المعجم الوسیط، فؤاد افرام البستانی، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹ش.
- اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب: از قرارداد پارساروویتز تا قرارداد غزه-اریحا، فرهنگ رجایی، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۱ش.
- اندیشه های اسلامی در سخنان ابوالاعلی مودودی، ابوالاعلی مودودی، ترجمه نذیراحمد سلامی، تهران،



- احسان، ۱۳۸۸ش.
- ایران و جهان اسلام، عبدالهادی حائری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
- آیین شجاعان، ابوالاعلی مودودی، ترجمه ابراهیم امینی، بی‌جا، نوید، ۱۳۴۸ش.
- برآورد استراتژیک مصر، مختار حسینی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴ش.
- بررسی دیدگاه‌های تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی، سید حسن مهدی کاظمی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳ش.
- برنامه انقلاب اسلامی، ابوالاعلی مودودی، ترجمه غلامرضا سعیدی، اصفهان، خرد، ۱۳۴۸ش.
- بنیادگرایی، جهان اسلام و نظام بین‌الملل، پیتر دمنت، ترجمه محمود سیفی پرگو، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰ش.
- بنیادگرایی، ملیس روتون، ترجمه بیژن اشتري، تهران، نقد افکار، ۱۳۹۱ش.
- پایه‌های اخلاقی برای جنبش اسلامی، ابوالاعلی مودودی، ترجمه غلامرضا سعیدی، اصفهان، خرد، ۱۳۴۸ش.
- پاییز خشم، حسنین هیکل، ترجمه محمد کاظم موسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- پژوهشی پیرامون وهابیت، بهروز عزیزی و فرهاد قره‌زاده شریبانی، تهران، فرهاد قره‌زاده شریبانی، ۱۳۹۲ش.
- پیامبر و فرعون، ژیل کویل، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۸۲ش.
- تاریخ الحركه السنوسیة فی افریقیه، علی محمد صلابی، بیروت، دارالمعرفه، ۲۰۰۹م.
- تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، کیهان، ۱۳۶۷ش.
- تاریخ فرق اسلامی، حسین صابری، تهران، سمت، ۱۳۹۱ش.
- تروریسم از القاعده تا داعش: مطالبی که لازم است همگان بدانند، دنیل بایمن، ترجمه فاطمه فتح‌پور و سید ماکان صداقت، تهران، خرسندی، ۱۳۹۸ش.
- تعریف و رابطه دو مفهوم، احمد پاکتچی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳ش.
- تفهیم القرآن، ابوالاعلی مودودی، ترجمه کلیم‌الله متین، لاهور، دارالعروبه، ۱۹۹۰م.
- تئوری سیاسی اسلام، ابوالاعلی مودودی، ترجمه محمد مهدی حیدرپور، تهران، بعثت، ۱۳۵۷ش.
- جنبش اسلامی پاکستان، محمداکر م عارفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
- جنبشها و نهضت‌های سیاسی معاصر، مرتضی شیرودی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب: بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، هرایر دکمجان، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۹۰ش.
- جنبش‌های اسلامی معاصر، سید احمد موثقی، تهران، سمت، ۱۳۷۴ش.
- خطبه‌های نماز جمعه، ابوالاعلی مودودی، ترجمه آفتاب اصغر، تهران، احسان، ۱۳۸۳ش.
- خلافت و ملوکیت، ابوالاعلی مودودی، ترجمه خلیل احمد حامدی، تهران، بیان، ۱۴۰۵ق.
- ذکریاتی مع جماعه المسلمین، عبدالرحمن ابوالخیر، کویت، دارالبحوث العلمیه، ۱۹۸۰م.
- ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، محمدحسین سلطانی فرد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶ش.
- زندگینامه: نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، نذیراحمد سلامی، تهران، احسان، ۱۳۸۰ش.
- سعادة المستهدی بسیره الامام المهدي، اسماعیل عبدالقادر کردفانی، بیروت، دارالجیل، ۱۹۸۲م.
- سلفی‌گری در بوتنه نقد، علی اصغر رضوانی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۰ش.





- سلفیه: زمینه مبارکه لامذهب اسلامی، محمد سعید رمضان بوطی، دمشق، دارالفکر، ۱۹۶۱م.
- سلفیها، محمود اسماعیل، ترجمه حسن خاگرد و حجت‌الله جودکی، تهران، مهدی، ۱۳۹۱ش.
- سیر تحول جنبشهای اسلامی از نهضت سلفی سید جمال تا بیداری اسلامی، حمید احمدی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش.
- فرهنگ نمونه (القاموس الحدیث)، محمدحسین عرب، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۹۰ش.
- فلسفه انتقادی تاریخ، سید ابوالفضل رضوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- قانون اساسی در اسلام، ابوالاعلی مودودی، ترجمه محمدعلی گرامی، قم، دارالفکر، ۱۳۵۶ش.
- کالبدشکافی عقاید وهابیت، رحمت‌الله ضیایی و حمیدالله رفیعی، تهران، مشعر، ۱۳۹۰ش.
- گفتارها، ابوالاعلی مودودی، ترجمه عبدالغنی سلیم قنبرزهی، تهران، احسان، ۱۳۸۳ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۸م.
- ماضی استمراری: سلفی‌گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده، سعید زاهدی، تهران، عابد، ۱۳۹۱ش.
- محمد احمد المهدی، توفیق احمد بکری، مصر، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۴۴م.
- مصطلحات القرآن الاربعه فی فکر المودودی، حمد بن صادق الجمال، ریاض، دار علم الکتب، ۱۹۹۳م.
- منهای الانقلاب الاسلامی، ابوالاعلی مودودی، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
- «مودودی»، غلامرضا خسروی، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ش.
- نظام سیاسی اسلام، ابوالاعلی مودودی، ترجمه علی رفیعی، قم، مکتب قم، ۱۳۵۹ش.
- نهضت بیداری اسلامی، مجید صفاتاج، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۹۳ش.
- نهضت و منسوبین آن، ابوالاعلی مودودی، ترجمه کلیم‌الله متین، لاهور، دارالعروبه، ۱۳۵۹ش.
- نوگرایی دینی: نقد و بررسی جنبشهای اسلامی معاصر، حسن یوسفی اشکوری، تهران، قصیده، ۱۳۷۷ش.